

مخطوط بعد مطبوع

دکتر محسن جعفری مذهب*

چکیده

حمزه‌نامه که به عناوین گوناگون خوانده شده، از داستان‌های عامیانه فارسی است. در این داستان با در هم کشیده شدن شخصیت حمزه بن عبدالمطلب و حمزه آذرک به یکدیگر، مجموعه‌ای از ادبیات شفاهی ایرانی پیش و پس از اسلام به نحوی غیر قابل تفکیک در هم آمیخته و در میان عامه مردم، رواج یافته است. نسخه‌های خطی بسیار از این کتاب در کتابخانه‌های ایران، هند و پاکستان محفوظ است و رواج دستنویس‌های آن به ویژه در دوره مغولان هند در سده دهم هجری قابل توجه می‌باشد. حمزه‌نامه چند بار در بمبئی و ایران به چاپ سنگی رسیده، و متن منقح آن با تصحیح و اهتمام دکتر جعفر شعار به سال ۱۳۴۷ در تهران (دانشگاه تهران) انتشار یافته است. در سال ۱۳۸۲ نسخه‌ای از حمزه‌نامه توسط کتابخانه ملی ایران خریداری شد که از چند جهت، قابل توجه است. این نسخه به خط نستعلیق کاتبی به نام فضل‌الله تفرشی در

*. عضو هیئت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ ه. ق و بعد از چاپهای سنگی این کتاب در هند و ایران استنساخ شده است. کاتب در انجامه برخی از مجلدات هفتگانه آن به کمبود نسخه‌های حمزه‌نامه در روزگار خود اشاره کرده و نوشته است که از شدت بیکاری به کتابت این کتاب اقدام نموده است.

در سال ۱۳۸۲ ش، نسخه‌ای از کتاب رموز حمزه برای کتابخانه ملی ایران خریداری شد که از چند جهت جالب توجه بود:

- ۱ - کتاب پس از چاپ چند باره رموز حمزه در ایران و هند کتابت شده و در واقع «مخطوط بعد مطبوع» بود.
- ۲ - نویسنده، انجامه ۷ جلد کتاب را محل درد دل خود قرار داده که در واقع در دل کاتب حرفه‌ای است که اینک در بیکاری بسر می‌برد.
- ۳ - درباره نسخه‌های اساس و زمان کتابت و دیگر مسائل تهیه نسخه نیز آگاهی‌های فراوان بدست می‌آید.

حمزه‌نامه از داستان‌های معروف ادبیات نثر فارسی است که با آمیختن چهره حمزه بن عبدالمطلب و حمزه آذرک، مجموعه‌ای از ادبیات شفاهی ایرانی پیش و پس از اسلام را بنحوی غیر قابل تفکیک در هم آمیخته و در میان عامه مردم رواج یافته است. رموز حمزه از کتب مشهور تاریخ‌نویسی عامیانه فارسی زبانان است. بویژه در هند روایت‌های گوناگون از آن رواج یافته است. نام کتاب نیز بصورت‌های گوناگون: «حمزه‌نامه»، «شاهزاده حمزه»، «جنگنامه امیرالمؤمنین حمزه»، «اسماء حمزه»، «رموز حمزه»، «داستان امیر حمزه»، «قصه حمزه»، ... آورده شده است.

رواج نسخه‌های خطی «حمزه‌نامه» بویژه در دوره مغولان هند در سده دهم و یازدهم هجری سرعتی عجیب بخود گرفت. نسخه‌های مصور حمزه‌نامه در کتابخانه‌های هند و غرب بیشتر ساخته دوره اکبر شاه گورکانی است که ابوالفضل علامی را مأمور گردآوری آن ساخت. ابوالفضل علامی بیش از یکصد نقاش، تذهیب کار، خطاط و صحاف را برای رسم مجالس حمزه‌نامه بکار گرفت که البته بیشتر این افراد ایرانی بودند. و به همین جهت نقاشی‌های حمزه‌نامه شباهت فراوان به سبک‌های ایرانی دارند. از شاگردان کمال‌الدین بهزاد، قاسم علی و آقا میرک به دعوت اکبر شاه به

هندوستان رفتند و آثار سبک بهزاد در گوشه گوشه نقاشی‌های حمزه‌نامه به چشم می‌خورد و حتی تعدادی اندک از نقاشی‌های حمزه‌نامه به کمال‌الدین بهزاد منسوب است.

از کتاب حمزه‌نامه و با نامهای گوناگون آن، نسخه‌های فراوانی در ایران و هند و پاکستان موجود است و چندین بار نیز به چاپ رسیده است. از جمله در بمبئی، تهران (۱۲۷۶ ق)، شیراز، تبریز (۱۳۲۱ ق)، آخرین چاپ منقح آن را دکتر جعفر شعار با نام قصه حمزه در سال ۱۳۴۷ ش در انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده است. نسخه مورد اشاره ما ویژگی نسخه‌شناسی خاصی ندارد:

اندازه ۲۰×۳۲ س م

جلد مقوایی ساده

شیرازه بهم ریخته و کاغذها جدا شده

صفحات بدون صفحه شمار (حدود ۴۰۰ برگ)

کاغذ اروپایی با واترمارک و بدون آن. صفحاتی با مهر برجسته شیر و خورشید در بالای صفحه و واترمارک

Leykam-Josefstahi

Graz

و صفحاتی فقط با مهر برجسته شیر و خورشید

تعداد سطور ۲۵ تا ۲۹

خط نستعلیق مرکب سیاه، عناوین فصل‌ها مرکب قرمز

آغاز نسخه: بسم‌الله الرحمن الرحیم

اما گلدسته بندان گلشن عیش، و کشورگشایان اقلیم دانش که در معرکه
سخنوری لاف صاحبقرانی زده‌اند و بیلارک افراسیابی ساحت میدان را از
لوٹ زمردپرستان چون دامن عصمت مهرنگار پاک ساخته‌اند و ...
اما حکام عالم اسرار و فضل این گفتار و مهندسان داستان کهن و خوشه
چینان خرمن سخن چنین نقل کرده‌اند که:
در ملک یونان حکیمی بود که از علم حکمت سرحد کمال رسیده و
مردی بود از حکمت شهره آفاق و سرکرده چهار هزار حکیم و دانشمند او را

جاماسب حکیم میگفتند از جمله علم و دانش او یکی این بود که کتابی درست کرده بود که هزار سال از ماضی و هزار سال از مستقبل خبر میداد انجام نسخه:

... شاهزاده او را بدرک فرستاد و خود نیز هوای غزال گوهرنوش بر سر افتاد و حمزه را برداشته با تمامی لشکر روانه ذوالامان شدند و هر یک به مقام خویش رفتند تا زمان حیات در مقام خوشگذرانی قرار گرفتند. اما آنچه در این نسخه جلب توجه می‌کند، درازنویسی کاتب است در انجامه هر هفت جلد رموز حمزه و نیز در موخره و سرآخر در صفحه آغازین کتاب که آگاهی‌های فراوان از خود و نسخه‌های اساس و دیگر مسائل کتابت به ما می‌دهد که بسیار ارزشمند است و به ترتیب آورده می‌شود:

در پایان جلد اول:

کاتب الحروف فضل‌الله تفرشی شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۰۲۰ [کذا] به اقبال شاهنشاه کامیاب شد از دست کاتب تمام این کتاب که تا هست اقبالش افزون بود سر همتش اوج گردون بود خداوند انشاءالله تعالی عمر طولانی عنایت فرماید که جلد دوم رموز حمزه را با تمام برسانم که رفقا مستفیض شوند.

در پایان جلد دوم:

این احقر فضل‌الله بن مرحمت مآب مرحوم فرج‌الله بیک کتابت رموز حمزه را فراهم کرده خیلی بتعجیل این دو جلد را نوشته محض یادگاری، هر گاه سهوی و نقصانی شده باشد و تصحیح نشد قلم عفو خواهند کشید چون نسخه را خیلی عجله در گرفتن داشتند قلم انداز تحریر شده هر گاه خداوند توفیق عنایت فرماید جلد سیوم را هم به عرض دوستان و غلامان علی عمران خواهم رسانید خیلی عذر می‌خواهم هر وقت ملاحظه فرمودید کاتب را بحمد و سوره یاد فرمائید.

به تاریخ سلخ شهر رمضان هذه السنه میمونه بارس‌ئیل خیریت تحویل ۱۳۰۲۰ [کذا] ای برادران عزیز محترم هر وقت این کتاب رموز حمزه را خواندید خواهش و متمنی از همه دوستان می‌باشم که حقیر فقیر سراپا تقصیر را که اسم خود را در آخر هر جلد نوشته و ذکر کرده‌ام به دعای خیر و فاتحه یاد فرمائید زیرا که انسان در حیات و ممات فاتحه لازم دارد.

در پایان جلد سوم:

انشاء الله تعالى در جلد چهارم رموز حمزه به عرض دوستان و غلامان یکرنگان علی عمران خواهیم رسانید. در یوم چهارشنبه نهم شهر عاشورای محرم باتمام پیوست جلد سیم رموز، حسب الامر سرکار بندگان جناب جلالتمآب اجل امجد عالی آقامیرزا علی اکبر خان منتظم دربار سمت اتمام پذیرفت چون از آنجائیکه نسخه مبارکه رموز حمزه خیلی کم است نسخی نداشت مگر اینکه این حقیر فقیر سراپا تقصیر از سرکار بندگان حضرت مستطاب اجل اعظم آقای حاج امیرالدوله [کذا] مدظله نسخه را گرفته معجلاً در طی تحریر درآورده که یادگار بماند.

چون این حقیر اقل دعاگو فضل الله بن مرحوم فرج الله بیک ساکن تفرش طاب الله ثراه میل داشتم چیزی ازین نسخه جات را نوشته که حضرات رفقا و دوستان میل کنند، مطالعه و بخوانند قبول زحمت را نموده سه جلد رموز حمزه را باتمام رسانیده امیدوارم که چهار جلد دیگر آن را بنویسم اگر چه خط اقل دعاگو قابل نیست و حالیه پسر و شکسته شده، دستم از قوه قدرت رفته، هر گاه سهو و نقصانی بهم رسانیده باشد عفو فرمایند حقیر را بفاتحه دعای خیر یاد نمایند خصوصاً والدین حقیر را التماس دعا از خواننده و شنونده در نهم شهر محرم الحرام هذه السنه توشقان ثیل ۱۳۰۲۰۱ [کذا]

در پایان جلد چهارم:

به تاریخ یوم چهارشنبه شهر ربیع الثانیه هذه السنه توشقان ثیل سنه ۱۳۰۲۰۱ یک هزار و سیصد و بیست و یک هجریه النبویه صلی الله علیه وآله وسلم بیر اقل عبادالله میرزا فضل الله ابن مرحوم فرج الله بیک ساکن قریه تفرش، چون حقیر خیلی بیکار بودم مشغول تحریر این چند کلمه شده معجلاً عرض شده، هر گاه سهو و نقصانی گردیده عذر از حضرات خواننده و شنونده دارم التماس دعا دارم.

حقیر را به دعای خیر یاد و شاد فرمایند هر گاه عمر و حیاتی باشد جلد پنجم را [کذا] هم سمت اتمام خواهد پذیرفت خداوندا به حق محمد و ائمه اطهار صلی الله علیه وآله سلامت مزاج عنایت فرماید ۱۳۰۲۰۱ [کذا]

در پایان جلد پنجم:

تمام شد جلد ایرج نامه حمزه صاحبقران به توفیق حضرت ملک منان کتبه

العبد الحقیر فضل الله بن مرحوم فرج الله بیک تفرشی، امید چنان است که هر بیننده و خواننده این کتاب، خط نالایق را قبول فرمایند مکرر خدمت آقایان کرام و دوستان ذوی العز و الاحترام عرض و تصدیع کرده چون نسخه این کتاب مستطاب رموز حمزه خیلی کم است و این حقیر فقیر سراپا تقصیر نسخه را از حضرت مستطاب اجل امجد عالی آقای امیرالدوله دام اقباله گرفته و خیلی به زحمت معجلاً نوشته که یادگار بماند التماس دعا دارم که والدین حقیر را به فاتحه حمد و سوره یاد فرمایند خداوند را بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله قسم میدهم که گشایش و فرجی نماید به زودی زود بآستان بوسی حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحیه و الثناء، مشرف شویم.

شهر جمادی الاخر هذه السنه توشقان نيل ۱۳۰۲۱

العبد المذنب کم طالع

اللهم ارزقنا فی الدنيا زیارت الحسین و فی آخرت شفاعة الحسین علیه السلام. غرض از این نسخه خیلی بتعجیل نوشته شده محض اینکه نسخه را لازم داشتند چاکر این پنج جلد را در مدت سه ماه [و] ده روز نوشتم انشاء الله دو جلد دیگر را در دو ماه دیگر خداوند بخواهد باتمام خواهد رسید. این قدری است که میتوان خواند، مشغولیات از برای آقایان ذوی العز و الاحترام باشد شهر جمادی لالاخره ۱۳۲۱

در پایان جلد ششم:

العبد فقیر فضل الله بن مرحوم فرج الله بیک فی شهر جمادی الثانيه ۱۳۰۲۰۱ [کذا]

کشف الدجی بجماله بلغ العلی بکماله

حسنه جمیع خصاله صلوا علیه و آله

چون حقیر همواره استدعا از حضرت احدیّت مسئلت مینماید که انشاء الله فرج و گشایش کار عنایت فرماید آخر عمر را به زیارت ائمه اطهار سلام الله علیهما مشرف شویم. خداوند شاهد است بیش ازین طاقت زحمت روزگار را ندارم.

در پایان کتاب (جلد هفتم):

تمّ الکتاب فی سنة ۱۳۲۰۱ [کذا]

[سپس با قلمی ریز تر نوشته شده]:

در سنه یک هزار و سیصد و بیست و یک هجری شهر جمادی الثانيه سمت اتمام

پذیرفت نسخه بیش ازین به دست نیامد که عرض میشود.

چون حقیر سراپا تقصیر العبد المذنب فضل الله ابن مرحوم فرج الله بیک طاب الله ثراه، از بیکاری بتنگ آمده و مدت مدید در طهران زحمت زیاد کشیده خصوصاً در دفتر لشکر، بیک اندازه زحمت بی نهایت کشیده و حضرت مستطاب اجل آقای حاجی رفیع الدوله دام اقباله به وعده [و] وعید گذرانیده [و] وعده حضرت اجل سرانجام نگرفت. به نوع خوش رفتار کرده و حسن خدمت را بانجام رسانیده تاکنون که سنه یک هزار و سیصد و بیست و یک هجری از هجرة نبوی گذشته و از عمر حقیر چهل و چهار سال گذشته است چیزی اندوخته نکرده، تمامش را بخدمت مرجوعه گذرانیده، چون هر کجا از در خانه به جای دیگر برود شماتت مینمایند که استقامت در عمل نوکری ندارند و این خدمتگزار خدمت را به استقامت رسانیده که شماتت منظور نظر نباشد، لذا خداوندا به حق جناب مولای متقیان امیر مؤمنان قسم میدهم که عمری عنایت فرماید به زودی بزیارت آن بزرگوار مشرف شوم.

در موخره کتاب:

هوالمستعان

از اشخاصی که خداوند مئان قادر سبحان ذوالجلال مفاد آیه کریمه شریفه «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» هر شئی را بفراخور استعداد و قابلیت و باندازه شایستگی و لیاقت تکلیف معرفت و عبادت را نمود

تا غذای اصل را شامل شود لقمهای نور را آکل شود

عقل را افزون شود بر دیگران لیک او باشد ز حفظ او گران

و هر کسی به سببی مفتون و به لهو و لعبی مقرون و از تکلیف خداوندی غافل و تا روز «لا ینفع مال ولا بنون» عاطل مانده، لهذا ارباب دانش و عقول، و اصحاب بینش و عقول، با طاقت لسان فصاحت بیان، و رشادت خامه و جلادت چامه را در کتاب و اوستاد، و فکر و ذکر در معانی از علوم خوب دیگر اسباب اشتغالی برای اوقات شبانه روز حاصل کرده، در میان آورده اند، من جمله کتاب مستطاب رموز حمزه است، مؤلف آن خونابه جگر خورده و در معانی سفته اند:

تمتع ز هر گوشه یافته ز هر خرمنی خوشه یافته

به زحمت تمام آن را باتمام رسانیده، که خواندن آن را مایه صحبت و شغل خود

سازند، و سامع و قائل، و عام و خاص، و صغیر و کبیر، و برنا و پیر، از سطور حلاوت آمیزش، و حکایات ملاحظه انگیزش، که موجب آسودگی حال، و باعث فراغت و اشتغال است، بهره مند و خورسند آیند، و آنچه لازمه دقت بود در تحصیل این نسخه بعمل آمد، و به ولایات قریبه و بعیده در جمع آوری آن اهتمام نموده، زیاده از این که مندرج میشود و ثبت است بدست نیامد تماماً همین است نسخه رموز حمزه.

العید المحتاج الفقیر فضل الله ابن مرحوم فرج الله بیگ طالب الله ثراه تفرشی، ولی خیلی معذرت از حضرات خواننده و شنونده می خواهم که قوه و قدرت درستی نداشته، خصوصاً در تصحیح این نسخه هر گاه سهو و نقصانی بهم رسانیده عفو فرمایند.

اللهم اغفر لی ولو الدی وارحمهما کما [رَبَّیانی صغیرا]

إِجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ احْسَنًا، وَبِالسَّيِّئَاتِ غَفْرًا

شهر جمادی الثانی هذه السنه توشقان نیل ۱۳۰۲۰۱ [کذا]

[در صفحه نخست کتاب نیز به خط کاتب آمده]:

هفت جلد رموز حمزه را در شهر ربیع الثانی هذه السنه تنگوز نیل ۱۳۲۱ بنده اقل دعاگو فضل الله ابن مرحمت و غفرا نمآب فرج الله بیگ طاب الله [ثراه] تحریر و سمت اتمام پذیرفت. مردم مشق میکنند خط آنها در ترقی است، چاکر هر چه می نویسم روز به روز بدتر است. نمیدانم چرا اینطور است. اینهم از کم اقبالی چاکر است که اینطور پیش آمده. خداوندا! انشاء الله به حرمت محمد و آل محمد قسم میدهم کار همه را راست بیاورد. از تصدق سر دوستان، این حقیر را هم از دست این مردم روزگار آسوده فرماید. الهی یارب آمین، خداوندا تو خودت رحم کن، شهر ربیع الثانی هذه السنه تنگوز نیل

انجامه های هفت گانه رموز حمزه، سخنگوی حالات کاتب درمانده ای است که با آمدن صنعت چاپ نیمه بیکار شده و حتی حاضر است همان کتاب های چاپی را برای سفارش دهنده ای کتابت کند شاید که در روزگار سالمندی، بتواند روزی خود را بدست آورد.